



۲۰۲۳/۰۵/۱۲

تیم کاری قاموس/ تاریخ- بخش رجال سیاسی

معرفی «عبدالکریم میثاق» در قاموس کبیر افغانستان

قاموس کبیر مثل تمام قاموس ها و لغت نامه ها، هر کلمه و لغتی - خواه یک اسم باشد یا یک اصطلاح و یا یک موضوع - را که نیاز به معرفی و تعریف معنایی داشته باشد به معرفی و شناسایی میگیرد و پیرامون آن پژوهش و تتبع می نماید. بی گمان کلمه، اسم و موضوع مورد معرفی علاقمندان و مخالفین خواهد داشت، ولی دست اندرکاران قاموس کبیر ناگزیر از رعایت اصل بیطرفی در کار های خویش اند، دیو و فرشته را به همان حالتی که دارند، به معرفی میگیرند و در آن نه چیزی می افزایند و نه از آن چیزی می کاهند.

عین موقف در معرفی رجال سیاسی کشور - اعم از مثبت و یا منفی - نیز جداً مراعات می شود در معرفی و بیوگرافی رجال سیاسی و در هر موضوع سیاسی قاموس کبیر بیطرف می باشد و قضاوت به دوش خوانندگان است. اگر قبل از این اصل عدم جانبداری قسماً فراموش شده باشد، بعد از این ما به طور کامل و جدی آنرا مد نظر خواهیم داشت. امید است خوانندگان عزیز از ما توقع جانبداری از این یا آن و نیز تذلیل این یا آن شخصیت سیاسی کشور را نداشته باشند، ما فقط بیطرفانه رجال سیاسی را معرفی میکنیم خوانندگان ما حق قضاوت خاص خودشان را در باره هر شخص سیاسی دارند.



عبدالکریم میثاق، متولد (1313 ش - 1935م)، در ولایت غزنی و متوفا (1394 ش - 2016م) در لندن، می باشد. بقول از دستگیر پنجشیری «از جمله 27 تن اشتراک کنندگان فعال گنگره موسس نور محمد تره کی، کریم میثاق و ملا عیسی کارگر دارای تحصیلات خصوصی...»¹ بودند. میثاق در دوران جوانی به «محافل مطالعه و مباحثه» پیوست، در سالهای (1953 - 63) مجالسی تحت عنوان «محافل مطالعه و مباحثه» سیاسی بطور فزاینده بی وسعت می یافت² و حکومت وقت آن دهه هم "در برابر پخش و اشاعه ادبیات سیاسی که بطور محدود و نیمه مخفی انجام می شد حساسیت بخصوص نشان نه می داد".³ که اشتراک کنندگان این محافل بنیان گذاران ح. د. خ. می باشند.

در اول جنوری 1965 گنگره موسس جریان دموکراتیک خلق دایر شد که میثاق عضو علی البدل کمیته مرکزی انتخاب شد، در انشعاب 14 ثور 1346 او به جناح «خلق» نور محمد تره کی پیوست بعداً عضو اصلی کمیته مرکزی این حزب گردید.

¹ - دستگیر پنجشیری - ظهور و زوال ح. د. خ. ا. بخش اول، چاپ کتابخانه فضل پشاور 1377 ش صفحه 154

² - سلطان علی کشتمند - یاد داشتهای سیاسی و رویدادهای تاریخی - جلد اول و دوم محل چاپ نوشته نشده سال 2002 ص 87.

³ - کشتمند ص 84.

از راست به چپ: میثاق، دکتور شاولی، امین، تره کی، پنج

شیری، شرعی، دکتور زیری و اسمعیل دانش



نامبرده از آغاز، علاقمند ادبیات و هنر بود و با خواندن آثار پیشاهنگان این ساحه و مطالعه کتابهای علمی و ادبی به دانش خود می افزود و با نوشتن داستان های کوچک و انشاد شعر استعداد ادبی و هنری خود را صیقل میداد، هم چنان زبان روسی را به جدیت فرا میگرفت. از کار نویسندگی وی حدود ۲۰ عنوان کتاب در زمینه های داستان، شعر، تاریخ و سیاست از خود برجای مانده است که از جمله آثار مشهور وی (دخترک گل فروش)، مجموع داستان های کوتاه (هفت قصه)، (لبخند مادر)، (میلودی دریاچه)، (راه سبز)، (نجوای بنفشه ای) و (نرگس آبی) است.

«میثاق در آغاز به ژنر داستان بسیار علاقمند بود، بعدا به گفتن شعر نیز آغاز کرد. داستان ها و مقالات ادبی او در مطبوعات کشور به چاپ رسیده اولین داستان او به نام "دخترک گل فروش" در سال ۱۳۳۹ و نخستین مجموعه داستان های کوتاه او به نام "هفت قصه" در مطبعه کوچک جریده "سبا" ... و بعدا مجموعه داستان های او به نام "نرگس آبی" در سال ۱۹۹۱ از طرف انجمن نویسندگان افغانستان، به طبع رسید»⁴

«میثاق نخستین داستانش، «دخترک گل فروش»، را در سال ۱۳۳۹ منتشر کرد. این داستان روایتی توصیفی از زبان اول شخص عینی است و آغاز به نسبت مناسب خواننده را با داستان درگیر می کند؛ اما پس از یک صفحه روند روایت تغییر می کند و به دامن گزارش نویسی می افتد. داستان طرحی ابتدایی و خاطره وار دارد و روایت راوی اول شخص در بسیاری جای ها به سوم شخص پهلوی می زند. راوی، جوان مسافری است و قصه دخترکی را می گوید که در کنار جاده گلروشی می کند.»⁵

⁴ - حکیم شرعی جوزجانی - عبدالکریم میثاق، نویسنده و شاعر - کابل ناتھ شماره ۱۸۳، سال هشتم، جدی ۱۳۹۱ ش اول جنوری ۲۰۱۳ م.

⁵ - محمدحسین محمدی از بی بی سی فارسی - عبدالکریم میثاق؛ وزیر چپ گرای قصه نویس -

او علاقمند موسیقی از جمله موسیقی کلاسیک غربی بود. آثار مطبوع او قرار ذیل است:

داستنه‌های او - به شمول آنه‌ای که در بالا ذکر شد - "لیخند مادر" - "میلودی دریاچه" - "راه" - "راه سبز" - "پرواز فرشته" قصه برای کودکان - "من و زنجیرهایش" - "افسانه‌های خیال" - "هورا" - "میثاق و گل کوهی" پاسخ به یک "انتقاد" و **اشعار** - «"جنگل اندیشه" - "چمنزار تصویر" - "باغستان واژه" - "شاخه‌های نور" - "باغ" - "باغچه" و "شمع‌ها بر موجه‌ها" نثر. - "گپهایی از سیاست و سازندگی در افغانستان." و در آخر کتاب خاطرات سیاسی عبدالکریم میثاق زیر عنوان «**خاطره‌ها، گپ‌هایی از گذشته**».

پس از کودتا 7 ثور 1357 وزیر مالیه دولت وقت شد و بعد از 8 جدی 58 مدتی حبس در زندان پل چرخ را گذراند بعد چند سال خانه نشینی بود، در سال 1989 به صفت شهر دار کابل مقرر گردید، بعداً وی در سال 1990 در لندن پناهنده شد.

میثاق طی سالهای اقامت در شهرلندن علاوه بر ایجاد انجمن ادبی به مسائل اجتماعی نیز پرداخته و به صفت یکی از سازمان دهندگان "جمعیت دوستی افغانها" از سالها بدین سو در نشر گاهنامه "محبت" که در زبان فارسی و پشتو به مدیریت مسئول ژورنالیست ورزیده همایون تاج نشر می شود، به حیث عضو هیئت تحریر و یکی از نویسندگان دایمی نشریه همکاری می کرد. در ادامه این سطور نقد یک هموطن از کتاب خاطرات آقای میثاق را به خوانش می گیریم:

«در کتاب خاطرات عبدالکریم میثاق وزیر مالیه تره‌کی و امین، رویدادهایی گزارش شده است که موجب شگفتی بیشتر علاقه مندان تاریخ سیاسی افغانستان است. میثاق در کتابش افکار سیاسی امین، داستان آغاز تضاد میان امین و تره‌کی و روایت قتل تره‌کی از زبان امین را به گونه‌ای گزارش کرده است که در دیگر کتاب‌های بلند پایه گان جناح خلق حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نظیر آن دیده نمی شود. در این کتاب، رویداد های شگفت دیگر مثل مخالفت ببرک کارمل با اخراج امین از حزب دموکراتیک خلق قبل از کودتای هفت ثور، نیز گزارش شده است.

کتاب خاطرات سیاسی عبدالکریم میثاق زیر عنوان «**خاطره‌ها، گپ‌هایی از گذشته**». این طور به نظر می رسد که بخش‌هایی از این کتاب، به ویژه آن بخش‌هایی که در آن چگونه‌گی شکل گیری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تا کودتای هفت ثور روایت می‌شود، پیش از خروج نیروهای شوروی از افغانستان نوشته شده است.

عبدالکریم میثاق کتاب خاطراتش را از تشکیل اولین کنگره‌ی حزب دموکراتیک خلق در جدی سال 1343 خورشیدی آغاز می‌کند و با کودتای جنرال شهنواز تنی در حوت سال 1368 به پایان می‌رساند. در آخر کتاب، نویسنده ملاقات هایش با داکتر نجیب الله را گزارش کرده است. اما جالب ترین و مهم ترین بخش کتاب او روایت دوره‌ی تره‌کی و امین است. پس از کودتای هفت ثور عبدالکریم میثاق وزیر مالیه منصوب شد. او هم زمان با وزارت مالیه، عضو بیروی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان هم بود. بیروی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، تصمیم های مهم سیاست روز مره را نهایی می کرد. عبدالکریم میثاق تلاش کرده است که مثل یک شاهد عینی، فرآیند تصمیم گیری، عمل کرد و افکار سیاسی تره‌کی و امین را گزارش کند. شناخت امین، کار کرد هایش و هم چنان میزان تاثیر گذاری او بر تره‌کی، در درک حوادث و تحولات پس از کودتای ثور بسیار کمک کننده است.

حفیظ الله امین

روشن است که طراح و فرمانده کودتای هفت ثور حفیظ الله امین بود. جالب است که در سال 1357 امین به عضویت بیروی سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ارتقا نکرده بود. در 5 ثور سال 1357 پس از پایان مراسم فاتحه‌ء میر اکبر خیبر، بیروی سیاسی حزب دموکراتیک خلق در منزل سلیمان لایق در کارته‌ی پروان کابل، تشکیل جلسه داد. در آن جلسه فیصله شد که این حزب هیچ حرکتی در برابر حکومت داوود خان انجام ندهد و حتا گرامی داشت از روز

<https://raahak.com/?p=8375>

د پانو شمیره: له 3 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

کارگر در اول می را به تاخیر بیاندازد تا موجب خشم بیشتر حکومت وقت نشود. به همین دلیل بسیاری از رهبران حزب دمکراتیک خلق کودتای هفت ثور را معلول خود سری امین می دانند. شاهدان عینی و تمام رهبران حزب دمکراتیک خلق که کتاب های خاطرات شان منتشر شده، به این امر اتفاق دارند که کودتای هفت ثور را امین طراحی و اجرا کرد بدون این که منشی اول، منشی دوم و بیروی سیاسی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در جریان باشند. نکته دیگری که توافق عمومی در مورد آن وجود دارد این است که پس از کودتای هفت ثور امین خیلی قدرت مند شد. برخی از سران حزب دمکراتیک خلق به این باور اند که پس از کودتای هفت ثور در واقعیت امر امین در پوشش نام این حزب، به قدرت رسید. به این موارد در کتاب عبدالکریم میثاق به تفصیل پرداخته شده است. علاوه بر این ها، امین شناسی میثاق، بخش بسیار جالب و مهم کتاب او است. کتاب عبدالکریم میثاق به بیان دیگر، گزارش نویسنده از کرکتر، تصمیم ها، رفتار و افکار سیاسی امین است.

روابط امین و عبدالکریم میثاق هم داستان جالب دارد. همان طوری که در کتاب آمده است، عبدالکریم میثاق و بقیه اعضای بیروی سیاسی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، قبل از کودتای هفت ثور امین را شخصیت نظم گریز میدانستند و از پابند نبودن او به اصول سازمانی شکوه داشتند. امین در سال 1356 با وحدت دو جناح خلق و پرچم مخالف بود و حتی در سال 1346 به تره کی پیشنهاد کرده بود که خلقی ها باید حزب دیگر تشکیل دهند. با تغییر سیاست خارجی داود خان، دو جناح انشعابی خلق و پرچم به وساطت حزب کمونیست اتحاد شوروی و دیگر احزاب لنینیست منطقه، دو باره یک جا شدند. توافق وحدت طوری بود که پرچمی ها تره کی را منشی عمومی قبول کردند و خلقی ها هم پذیرفتند که بیروی سیاسی، کمیته مرکزی و دبیرخانه حزب به صورت 50 - 50 بین دو جناح تقسیم شود. تمام اعضای بیروی سیاسی جناح خلق، این فرمول را برای وحدت قبول کرده بودند، اما امین که در آن زمان مدیریت سازمان های نظامی جناح خلق و کار با اردو را به دوش داشت، مخالف حضور پنجاه درصدی پرچمی ها در رهبری حزب بود و از وحدت سازمان های نظامی امتناع می کرد. در واکنش به آن عبدالکریم میثاق و بقیه اعضای بیروی سیاسی حزب دمکراتیک خلق باری تصمیم به اخراج امین از حزب گرفتند اما با مخالفت تره کی و کارمل رو برو شدند. مخالفت کارمل با اخراج امین برای همه عجیب بود. میثاق در کتابش نوشته است که کارمل به او گفت که یک تعداد از جوانان پشتون به دور امین جمع شده اند و در اردو و پولیس هم بر افسران پشتون نفوذ دارد و میر اکبر خیبر هم در همین وضعیت است و اگر این دو از حزب اخراج شوند، زیانش برای نیروی چپ ترقی خواه بیشتر از سود آن است. میثاق به نقل از تره کی هم آورده است که منشی عمومی وقت حزب دمکراتیک خلق افغانستان به رغم اصول گریزی امین خواستار ارتقای او به عضویت بیروی سیاسی بود. میثاق نوشته است که تره کی به همه می گفت که اگر امین امتیاز ورود به بیروی سیاسی را کسب کند، اصول گریزی و تخریب گری اش مهار می شود. چنین می نماید که کارمل هم در تلاش بود تا میر اکبر خیبر را به بیروی سیاسی بیاورد. از کتاب میثاق این طور استنباط می شود که کارمل و تره کی تلاش می کردند که امین و خیبر را در بیروی سیاسی بیاورند. استنباط منطقی دیگر هم می تواند این باشد که شوروی ها طرف دار ارتقای امین در حزب دمکراتیک خلق بودند، نه اخراج او، به همین دلیل کارمل نگران بود که در صورت اخراج امین بخشی از نیروی جناح پرچم از جمله خیبر هم با او بروند و سازمان مستقل بسازند، همان طوری که طاهر بدخشی از جناح خلق جدا شد و سازمان انقلابی زحمت کشان افغانستان، «ستم ملی» را درست کرد.

عبدالکریم میثاق که طرف دار اخراج امین از حزب قبل از کودتای هفت ثور بود و یک بار هم به اخراج او از کمیته مرکزی جناح خلق به دلیل جر و بحث های بیهوده با طاهر بدخشی رای داده بود، پس از کودتا هم از قدرت گیری فزاینده او بیم داشت. او بارها در کتابش آورده است که امین و حلقه ی نظامیان طرف دارش، روز به روز قدرت مند می شدند، اصول سازمانی را به هیچ می گرفتند و دور تره کی هم حلقه ای ساخته بودند که هیچ کس بدون گذر از فلتر امین به منشی عمومی حزب دمکراتیک خلق دست رسی نداشت. اما پس از به قدرت رسیدن امین و قتل تره کی، نگاه میثاق به امین تغییر می کند. میثاق همان طوری که در کتابش آورده است، به امین در زمان زمام داری اش وفادار می ماند. باری سفارت شوروی در کابل پس از قتل تره کی، به میثاق مراجعه می کند و از او می خواهد که با دیگر خلقی های طرف دار تره کی بر ضد امین متحد شود و به شوروی برود، ولی میثاق رد می کند و موضوع را به امین گزارش می دهد. یک بار دیگر هم در یک سفر رسمی به یکی از کشورهای اروپای شرقی یکی از دوستان غیر حزبی ببرک کارمل نزد میثاق می آید و می گوید که امین ماندنی نیست و باید در تلاش هایی که هدف از آن ساختن حکومت جانشین

است، سهیم شود، ولی وزیر مالیه وقت این پیشنهاد را هم به شدت رد می کند. به نظر می رسد که امین هم به میثاق اعتماد داشت و به این باور رسیده بود که او با هیچ یک از نیروهای مخالفش نمی پیوندد. به همین دلیل، گزارش میثاق از افکار، تصمیم ها و گفته های امین، مجاب کننده می نماید.

فدرال خواهی امین

از کتاب میثاق این طور بر می آید که امین می خواست الگوی دولت اتحاد جماهیر شوروی را در افغانستان کپی کند. اتحاد جماهیر شوروی در قانون اساسی 1977 این کشور، یک دولت چندین ملیتی تعریف شده است که در آن هر «ملت» یک جمهوری خود مختار دارد و در درون برخی از این جمهوری ها هم مناطق خود مختار در نظر گرفته شده است. همین جمهوری ها پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به دولت – ملت های مستقل بدل شدند. امین به گزارش میثاق پس از قتل تره کی و به قدرت رسیدنش، کمیسیونی برای تسوید قانون اساسی درست کرد که در راس آن خودش بود ولی به دلیل مشغولیت زیاد، عبدالحکیم شرعی جوزجانی وزیر عدلیه وقت را قایم مقام خودش ساخت و در راس این کمیسیون قرارداد. عبدالکریم میثاق در کتابش آورده است که امین به این کمیسیون گفته بود که افغانستان باید یک دولت فدرالی چند ملیتی در قانون اساسی جدید شناخته شود طوری که در آن هر «ملیت» دارای یک جمهوری باشد و در درون این جمهوری ها هم «به قدر ضرورت» مناطق خود مختار در نظر گرفته شود.....

میثاق نوشته است که امین در دوران تره کی، برادرش عبدالله امین را به منظوری تره کی رییس تنظیمیه زون شمال گماشت. به نوشته میثاق عبدالله امین در شرکت سپین زر کندز دم و دستگاه ساخت و افراد متعلق به قبیله خروتی را که در دشت ارچی کندز زنده گی می کنند، دور خود جمع کرد و با بقیه مردم شمال برخورد تبعیضی و سرشار از نفرت در پیش گرفت. از نوشته میثاق بر می آید که عبدالله امین از خودش یک گل محمد خان مهمند دیگر در شمال ساخته بود.....

موضع نرم تره کی و امین در مورد دیورند

... میثاق در کتابش آورده است که امین برخلاف رجز خوانی اش در تلویزیون و سخن رانی هایش در محافل حزبی، پالیسی اعمالی بسیار نرم و انعطاف پذیر در مورد خط دیورند و موضوع پشتونستان داشت. او نوشته است که امین فکر می کرد که تهدید عمده برای زمام داری او، طرف داران عادی کارمل و تره کی در درون حزب و نیرو های اسلام گرای جهادیت مستقر در پاکستان است. او برای رفع تهدید اول، مثل هر دولت لیننیست و استالینیست دیگر آن زمان، سیاست حبس، شکنجه و اعدام مخالفان بالفعل و بالقوه را در پیش گرفته بود. جاسوسان امین به نوشته میثاق به سازمان استخبارات «کام» که در راس آن اسدالله امین برادرزاده امین بود، در مورد طرف داران بالقوه تره کی و کارمل گزارش می دادند و بعد آن اشخاص و افراد باز داشت، شکنجه و در مواردی اعدام می شدند. میثاق نوشته است که امین برای رفع تهدید نیروهای جهادیت مستقر در پاکستان، به عادی سازی روابط با ایالات متحده و اسلام آباد می اندیشید و تصور می کرد که نرمال شدن روابط با این دو کشور، آن مشکل را حل می کند. به گزارش میثاق امین می خواست راه حلی برای موضوع پشتونستان و خط دیورند پیدا شود. از فحواي نوشته میثاق این طور به نظر می رسد که امین می خواست در بدل دریافت ضمانت ها و امتیازهای امنیتی و غیر امنیتی از پاکستان، داعیه رد رسمیت دیورند و استقلال پشتونستان را کنار بگذارد.

از کتاب میثاق این طور بر می آید که پالیسی تره کی هم در اواخر زمام داری اش همین بود. عبدالوکیل وزیر خارجه داکتر نجیب الله که در چند ماه اول زمام داری تره کی هم مقام بلند پایه وزارت خارجه بود، در کتاب خاطراتش نوشته است که بعد از کودتای هفت ثور ملاقات تعارفی با سرپرست وقت سفارت پاکستان در کابل داشت. او نوشته است که در آن ملاقات دیپلمات پاکستانی گفت که اسلام آباد تحول هفت ثور را موضوع داخلی افغانستان می داند ولی حکومت جدید باید تضمین بدهد که داعیه صدور انقلاب به پاکستان و داغ کردن موضوع پشتونستان و خط دیورند را ندارد. عبدالوکیل نوشته است که وقتی گزارش ملاقات را به تره کی داد، او برآشفته شد و گفت که تضمین عدم صدور انقلاب و حذف داعیه استقلال پشتونستان از سیاست خارجی افغانستان را داده نمی تواند. ولی همین تره کی در روزهای آخر

زمام داریش ملاقاتی در هاوانا پایتخت کوبا با جنرال ضیالاحق زمام دار نظامی وقت پاکستان داشت. تره کی به نوشته میثاق در برگشت از هاوانا در جلسه کابینه رسماً گزارش داد که به ضیالاحق گفته است که هیچ چیزی بین افغانستان و پاکستان نا تقسیم نمانده و بهتر است که مشکل دو کشور هر چه زودتر حل شود. به نوشته میثاق تره کی در آن جلسه گفت که باید راه حلی برای مسأله پشتونستان پیدا شود و در آینده نزدیک وزیر خارجه پاکستان برای رای زنی با او و دیگر بلند پایه‌گان حکومت به کابل می‌آید. موضوع دیورند و پشتونستان، به نوشته میثاق یکی از بحث‌های بسیار جنجالی در کنگره‌ی نخست حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز بود. در آن کنگره یک عده پیشنهاد کرده بودند که باید در اساس نامه حزب، رسمی نبودن دیورند و داعیه الحاق مناطق پشتون نشین پاکستان به افغانستان درج شود ولی پس از جر و بحث‌های فراوان، نتیجه این شده بود که حزب خط دیورند را به رسمیت نمی‌شناسد و از داعیه حق تعیین سرنوشت برای خلق‌های پشتون و بلوچ که در زیر حاکمیت پاکستان هستند حمایت می‌کند. این در واقع همان پالیسی خاندان سلطنتی وقت بود.

گزارش امین در مورد کودتا علیه تره کی

برگشت تره کی از سفر هاوانا در 11 سپتامبر سال 1979 داستان جالب دیگر کتاب میثاق است. او نوشته است که بیشتر آنانی که در دفتر تره کی کار می‌کردند آدم‌های امین بودند. به نوشته میثاق در جلسه کابینه فیصله شده بود که تره کی از مسیر شوروی به کوبا برود. میثاق در کتابش آورده است که امین خیلی مشتاق بود که در این سفر به جای تره کی برود ولی ظاهراً روس‌ها سفر را طوری هماهنگ ساختند که امین در هیئت نباشد و تره کی پس از برگشت از هاوانا به ملاقات برژنف زمام دار وقت شوروی در کرملین برود. باور عموم بر این است که تره کی در برگشت از هاوانا در مسکو با برژنف ملاقات کرد و در این ملاقات برژنف از او خواسته بود که امین را از قدرت دولتی دور کند و او را در یکی از کشورها سفیر بسازد یا ربطش را با دولت و حزب قطع کند. به نوشته عبدالکریم میثاق آدم‌های امین در آن سفر موضوع ملاقات تره کی با برژنف و فیصله احتمالی آنان را به او اطلاع دادند و امین قبل از ورود تره کی به کابل، آماده‌گی کامل برای حفظ خودش گرفته بود.

میثاق نوشته است که هواپیمای حامل تره کی در برگشت از سفر هاوانا نشست عادی در میدان طیاره‌خواجه رواش نداشت. هواپیما پس از نزدیک شدن به باند فرودگاه، دوباره ارتفاع گرفت و پس طی یک دور چهل دقیقه‌ای بر فضای کابل، به زمین نشست. به نوشته میثاق، تره کی در فرودگاه مورد استقبال قرار گرفت و پس از رسیدن به ارگ از تمام وزیران خواست به جلسه کابینه بروند. در جلسه کابینه تره کی و امین به هم دیگر خصمانه نگاه می‌کردند. به نوشته میثاق تره کی پس از گزارش ملاقاتش با ضیالاحق، فیدل کاسترو و برژنف به اعضای کابینه گفت که عامل نفوذی سی‌ای در بین دستگاه دولت و حزب وجود دارد که باید به زودی کنار گذاشته شود. میثاق نوشته است که این حرف تره کی خشم را در سیمای امین به وجود آورد. به نوشته او همه اعضای کابینه درک کردند که منظور تره کی از عامل نفوذی سی‌ای امین است. پس از جلسه کابینه همان طوری که میثاق نوشته است، تره کی وزیران وزارت خانه‌های نظامی را مرخص می‌کند ولی تمام مقام‌های غیر نظامی حزبی و دولتی را به قصر سلام خانه به نوشیدن چای می‌برد. در آنجا هم تره کی خطاب به همه می‌گوید که «رفیق برژنف» می‌خواهد که عامل نفوذی سی‌ای را از میان خود دور کنیم. دو روز بعد از آن، تره کی به میثاق زنگ می‌زند که اگر در منزلش است کوشش کند از خانه بیرون نشود. تره کی به نحوی به میثاق می‌فهماند که عملیاتی برای نابودی عامل نفوذی سی‌ای در جریان است. پس از این گفت و گو، برادر زاده امین، اسدالله امین به دیدار میثاق به منزلش می‌آید و به او اطلاع می‌دهد که شام امروز رادیو افغانستان خبر برکناری، اسلم وطن‌جار وزیر داخله، سید محمد گلاب زوی وزیر مخابرات، اسدالله سروری رییس استخبارات و شیر جان مزدوریار وزیر امور سرحدات و قبایل را نشر میکند. همین شخص به میثاق می‌گوید که تره کی قبلاً با برکناری این اشخاص مخالف بود ولی حال خودش کنار گذاشته شده است. میثاق به برادر زاده امین می‌گوید که پس علیه تره کی کودتا شده است، اسدالله امین پاسخ می‌دهد که تره کی با «برخورد انقلابی» کنار گذاشته شده است. آنان در جریان گفت و گو هستند که عزیز اکبری معاون آگسا و از اشخاص وفادار به امین به میثاق زنگ می‌زند و می‌گوید که برادر زاده امین را زودتر مرخص کند. فردا صبح وقت امین میثاق و دیگر اعضای بیروی سیاسی را به

ارگ می خواهد و در آن جا گزارش کودتا علیه تره کی را به آنان می دهد. گزارش امین از کودتا بر ضد تره کی با تفصیلی که در کتاب میثاق آمده است در کتاب های خاطرات دیگر رهبران جناح خلق وجود ندارد.

جالب است که امین در گزارش به بیروی سیاسی می گوید که تره کی با همان چهار وزیر کابینه که خبر برکناری شان اعلام شده است، سیاست اعدام های خود سرانه، باز داشت و شکنجه را تطبیق می کرد، در حالی او مخالف آن بود. امین هم چنان از کیش شخصیت تره کی مینالد و در پایان می گوید که تره کی مخالف تسوید قانون اساسی جدید برای کشور بود در حالی که او همیشه قانون اساسی می خواست و همین اختلاف ها سبب شد که تره کی و آن چهار وزیر کابینه، زیر نام عامل نفوذی سی آی ای قصد جان او را کنند ولی خودش به موقع اقدام کرد و زمام امور را به دست گرفت. در همین جلسه امین به تلویح اعضای بیروی سیاسی را می فهماند که تره کی دیگر حبس است. بیروی سیاسی فیصله می کند که فردای آن روز پولینوم کمیته مرکزی برگزار شود، جلسه پولینوم فردا برگزار می شود. این جلسه تره کی را به برکنار و امین را جانشین او می سازد و تمام اعضای بیروی سیاسی و کمیته مرکزی گزارش امین را قبول می کنند و هیچ کسی در مورد سرنوشت تره کی و این که او در کجا است، چیزی نمی پرسد و وقتی که میثاق این موضوع را مطرح می کند با واکنش خشمگینانه امین مواجه می شود. (دستگیر پنجشیری هم در کتابش می نویسد: «باز هم در همان فضای اختناق و ارباب ... بحیث رئیس کنترل و وجدان حزب پیشنهاد می کنم که به نور محمد تره کی نیز اصولاً امکان فراهم شود تا در جلسه دفتر سیاسی مستقیماً اشتراک و از خود دفاع کند. از میان تمام اعضای بیروی سیاسی تنها کریم میثاق سکوت را شکست و از طرح من پشتیبانی کرد»⁶ امین در گزارش به بیروی سیاسی و کمیته مرکزی اعلام می کند که روس ها طرف دار او هستند نه طرف دار تره کی در حالی که همه میدانستند که آن چهار وزیر وفا دار به تره کی به سفارت شوروی پناه برده اند. میثاق در کتابش نشان می دهد که خودش با امین زمام دار هیچ مشکلی نداشته است.

اعتماد عمیق امین به شوروی

از کتاب خاطرات میثاق بر می آید که امین به روس ها باور و اعتماد عمیق داشت و تصور می کرد که برژنف او را متحد خود می داند و کارمل، تره کی و کس دیگر را به او ترجیح نمی دهد. باری یکی از دیپلمات های سفارت شوروی نزد میثاق می آید و به او می گوید که امین قصد کشتنش را دارد و این سفارت می خواهد او را به شوروی انتقال دهد تا با دیگر طرف داران تره کی در آن جا علیه امین کار کنند، اما میثاق موضوع را به امین گزارش می دهد. امین در پاسخ به میثاق می گوید که ولادیمیر پوزانف سفیر شوروی در کابل، پرچمی شده است و علیه او کار می کند که در حالی که برژنف او را می خواهد. امین در ادامه به میثاق می گوید که تره کی را هم به تشویق پوزانف کشت و نه قصد داشت که او را تا آخر عمر در ارگ زندانی نگه دارد. پس از آن امین از مسکو خواستار تبدیلی پوزانف می شود، مسکو پوزانف را فرا می خواند و به جای او کس دیگر را می گمارد. پوزانف در زمان داود خان ماموریتش را در کابل آغاز کرده بود. به نوشته میثاق وقتی که امین و تره کی تصمیم به تبعید و اخراج جناح پرچم از حزب و دولت گرفتند، او با آن مخالفت کرد ولی در پاسخش امین گفت که پوزانف کارمل و پرچمی ها را سفیر تعیین کرده است.

میثاق در مهمانی شش جدی سال 1358 قصر تاج بیگ که آخرین روز زمام داری امین است نیز حضور داشت. او در کتابش آورده است که امین در آن مهمانی هم به اعضای وقت بیروی سیاسی گفت که روس ها امنیت این قصر را که تازه دفتر کارش از ارگ به آن جا انتقال کرده است، می گیرند و اجازه نمی دهند که کسی زنده گی او را با خطر مواجه سازد. او هیچ نمی دانست که خود روس ها شام همان روز به زنده گیش پایان می دهند. در کتاب میثاق هیچ اثری از نا وفاداری امین به شوروی یا لیننیسم دیده نمی شود. به نوشته میثاق امین بر مبنای پالیسی بهبود روابط با امریکا و پاکستان، آن خانواده امریکایی را که در دوران دانشجویی اش در ایالات متحده در خانه آنان زنده گی می کرد قصد داشت به کابل دعوت کند تا از آن طریق نوعی اعتماد سازی با واشنگتن صورت بگیرد. در اسناد محرم دولت امریکا

هم که حالا همه گانی است هیچ چیزی در مورد رابطه پنهانی امین با سی آی ای یا کدام نهاد دیگر امریکایی نیامده است. ارزیابی میثاق در کتابش این است که مسکو امین را نمی خواست، اما هیچ وقت این موضوع را به صراحت به اطلاع امین نرسانده بود. مسکو در تعامل با امین همیشه از او به عنوان رهبر بی بدیل یاد می کرد ولی مخالفان خلقی و پرچمی اش را کمک می کرد تا علیه او بسیج شوند و کودتا کنند تا این که کودتا در شش جدی سال 1358 انجام شد.

در ماه سپتامبر سال 1979 از آن جایی که امین در تقابل با تره کی به زانو در نیامد، مسکو در مقابل انجام شده قرار گرفت و دیگر گزینه ای غیر از تعامل تا فراهم شدن فرصت دیگر نداشت. امین در شوروی گرایی هیچ چیزی کم از کارمل و تره کی نداشت، او شوروی گرا تر از روس ها بود، ولی چنین می نماید که مسکو تصور می کرد در وجود امین یک حکومت فرا گیر که در آن تمام جناح های حزب دمکراتیک خلق زیر چتر یک رهبر کاریزماتیک متحد شوند، وجود ندارد.

اختلافات شوروی و امین

در کتاب خاطرات میثاق به تفاوت های سیاست خارجی حکومت های تره کی و امین با پالیسی مسکو نیز اشاره هایی صورت گرفته است که نشان می دهد شوروی از سیاست خارجی آنان چندان راضی نبود. تره کی و امین سیاست نزدیکی با کوریای شمالی را که متحد چین بود و روابط چندان دوستانه با مسکو نداشت دنبال می کردند. به نوشته میثاق سیاست خصمانه تره کی و امین در برابر حکومت تازه تاسیس خمینی در ایران هم با پالیسی خارجی مسکو هم خوانی نداشت. مسکو به نوشته میثاق از دولت های هم پیمانش انتظار داشت تا سیاست خصمانه با حکومت ضد امریکایی خمینی در ایران نداشته باشند. تره کی و امین پس از قیام توده ای 24 حوت هرات علیه حاکمیت حزب دمکراتیک خلق اعلام کردند که ایران در ایجاد آن وضعیت در هرات نقش داشته است. این موضع گیری، روابط حکومت تره کی و بعد امین را با تهران تا مرز خصومت برد. از کتاب میثاق استنباط می شود که این موضوع در کنار بحث نظام فدرال چند ملیتی، نکات عمده اختلافی میان شوروی و امین بود.

موضوعاتی که در کتاب بازتاب نیافته

دستگیر پنجشیری و صالح محمد زیری از اعضای بلند پایه حزب دمکراتیک خلق در دوران امین بودند و عضویت بیرونی سیاسی را داشتند، اما در کتاب های خاطرات شان در مورد فدرال خواهی امین هیچ چیزی نه نوشته اند. شاید دلیل این باشد که دستگیر پنجشیری بیشتر وقت خود را در حکومت 100 روزه امین در شوروی برای تداوی سپری کرد و در روز های آخر حکومت او برگشت و در جریان بسیاری از رویداد ها نبود. صالح محمد زیری هم شاید به دلیل مصلحت هایی نخواست است چیزی بنویسد. عبدالحکیم شرعی جوزجانی دیگر عضو بیرونی سیاسی دوران امین که تا حال حیات است در یک پست فیس بوکی، فدرال خواهی امین به رغم مخالفت مشاوران شوروی را تایید کرد. داکتر شاه ولی وزیر خارجه امین که تا حال حیات است خاطرات خودش را از امین و جزییات سفر تره کی به هاوانا و گفت و گوی خصوصی با برژنف را تا حال نه نوشته است. از این نظر کتاب خاطرات عبدالکریم میثاق، یکی از منابع مهم تاریخ سیاسی دوره حکومت امین و تره کی است. میثاق در دوران ببرک کارمل، خانه نشین بود و در زمان حکومت داکتر نجیب بر مبنای پالیسی مصالحه ملی، شهردار کابل گماشته شد. میثاق در گزارش ملاقات هایش با داکتر نجیب، گفته های او را در مورد خصومت جناح کارمل با «مشی مصالحه ملی» و مخالفت ببرک کارمل با سیاست های میخائیل گرباچف آخرین زمام دار شوروی، نقل کرده است. در این نقل قول های میثاق از داکتر نجیب نکته تازه ای که در خاطرات دیگر بلند پایه گان حزب دمکراتیک خلق نیامده باشد، وجود ندارد. این نکته به همه روشن است که داکتر نجیب، پس از خروج ارتش سرخ، بیشتر دوستان و همکاران امین، از جمله داکتر شاه ولی، عبدالقدوس غوربندی، عبدالحکیم شرعی جوزجانی و شماری دیگر را از حبس رها کرد و به وظایف مهم حزبی و دولتی گماشت تا موقعیت خودش را در برابر جناح وفا دار به کامل، تقویت کند. عبدالکریم میثاق در کودتای شهنواز تنی علیه داکتر نجیب سهم نگرفت و با به قدرت رسیدن ببرک کارمل مثل دستگیر پنجشیری و صالح محمد زیری، از همراهی با «قاتل رفیق

تره‌کی» ابراز ندامت نکرد. در کتاب میثاق اما برخی از تحولات مهم دوران تره‌کی- امین گزارش نشده است. به طور مثال در این کتاب به شورش توده ای 24 حوت سال 1357 هرات و پاسخ تره کی و امین به این رویداد به تفصیل پرداخته نشده است. اسناد دولت شوروی نشان می دهد که پس از این رویداد، تره کی و امین خواستار استقرار نیرو های نظامی اتحاد شوروی در خاک افغانستان شدند تا حکومت آنان را در برابر شورش های احتمالی دیگر حمایت نظامی کند. رویداد مهم دیگر آن دوران استقرار شماری از نیروهای ویژه و چرخ بال های ارتش سرخ در پایگاه های هوایی بگرام و خواجه رواش است. آن دسته از نیروهای ویژه استخبارات شوروی که عملیات قتل امین در شش جدی سال 1358 را اجرا کردند، از امکاناتی که در بگرام و خواجه رواش داشتند، کار گرفتند. به موضوع استقرار اعلام نشده شماری از نظامیان شوروی در بگرام و خواجه رواش قبل از رویداد شش جدی هیچ اشاره ای در کتاب میثاق صورت نگرفته است. عبدالکریم میثاق خودش را پابند اصول سازمانی و مرامی حزب دموکراتیک خلق در سراسر کتاب معرفی می کند و دلیل مخالفتش را با کارمل هم به نحوی به قتل بدون محاکمه امین و ارتقای «غیر اصولی» کارمل به پست منشی عمومی ربط می دهد، اما به روشنی به پاسخ این سوال نمی پردازد که چرا به رغم قتل بدون محاکمه تره کی و کودتا علیه او، به همکاری با امین ادامه داد و از حزب و دولت خارج نشد؟ ولی با وجود این ها کتاب «خاطره ها، گپ هایی از گذشته» یکی از منابع مهم شناخت دوران تره کی و امین است.»⁷

منصور پویان در مقدمه خود که بر کتاب "باغستان واژه" او چنین اظهار نظر می کند: "لحن و زبان شعری میثاق خالی از ابهام گویی در اساس در خدمت آرمانها و ارزشهای انسان باورانه او به شیوه ادبیات عرفانی قرار دارد... شیوه او از توان و انرژی لازم در بیان مسائل و نابسامانی های امروزی افغانستان بهره مند است...."

اشعار برنده زیر عنوان "صداهای گمشده افغانستان" به تاریخ ۱۶ جنوری و ۲۲ جنوری سال ۲۰۱۱ به زبان انگلیسی یکجا با مصاحبه ای که با شاعر صورت گرفت، از رادیوی ۴ بی بی سی نشر شد و در جریان دوهفته از طریق آن لاین نیز پخش گردید و مورد تقدیر و تحسین شنوندگان قرار گرفت.»⁸

در صفحه فیسبوک از قلم Najib Dawary میخوانیم که:

«داکتر نجیب الله، رفقای نزدیک به امین از جمله کریم میثاق، شرعی جوزجانی، قدوس غوربندی، داکترشاه ولی و غیره را از زندان رها و در سطح بالای دولت برای شان چوکی های نیز اعطا کرد. از جمله، کریم میثاق بحیث شاروال کابل منصوب گردید. در همین هنگام جناب میثاق یکی از ژورنالیستان را در دفتر اش لت وکوب نمود. در آن هنگام به ارتباط این لت وکوب اگر مگر و چرا های زیادی در میان شهریان کابل بر سر زبان ها بود. که در همه حال افکار عامه این عمل میثاق را نا پسند و سوال بر انگیز خوانده بودند. حالا جناب میثاق اگر این جملات را می خوانند، می توانند به آن سوال ها در امر لت و کوب ژورنالیست مذکور جواب ارائه فرمایند؟»

هموطن دیگری به اسم Dost Afghani نوشته که:

«با میثاق آشنایی کامل دارم. شخص حریص و صاحب قلم بوده و شاهد داوطلبی اش در اجاره سینمای مزارشریف در سال ۱۳۵۵ هستم. زمانی مدیر استخراج معادن در وزارت معادن و صنایع بود.»

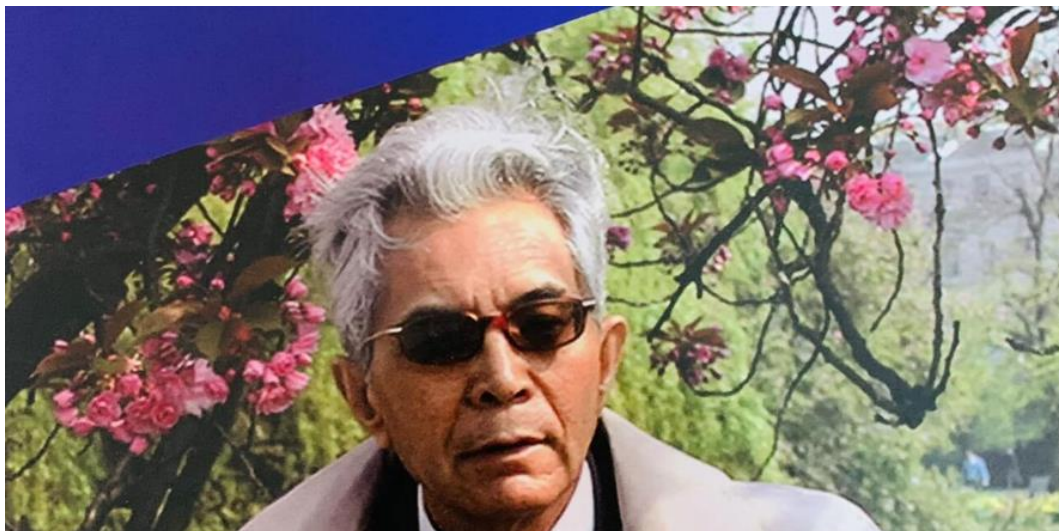
و آقای Zia Raheel نوشت که:

⁷ - فردوس کاوش - امین شناسی عبدالکریم میثاق - سایت شیشه میدیا مورخ 24 دسمبر 2022

<https://sheeshamedia.com/?p=277802>

⁸ - شرعی جوزجانی کابل ناتھ

«به ارتباط کامنت قبلی ام موقف آقای میثاق متفاوت از دیگر اعضای حزب خلق و پرچم است آقای میثاق یک عضو عادی حزب نه بلکه عضو بیروی سیاسی یعنی بلند پایه ترین موقعیت سیاسی در چوکات دولتی آن وقت بود ایشان هفته وار جلسات تحکیم انقلاب و تصامیم دولتی را دایر و کشتن هموطنان شانرا تائید می کردند. ایا امکان دارد که او از همه چیز ها بی خبر بوده باشد. و هر کدام از اعضای بیروی سیاسی در تصمیمات شبانه نواحی حزبی آن وقت بی حصه نبودند، اگر سیر حوادث تغیر نه می کرد او شاید امروز خودش را برادر تره کی ،امین و کارمل می نامید.»



د پانو شمیره: له 10 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په ځير و لولئ